



بهترین سال‌های زندگی ما

کتاب جشنواره‌های



شاپور عظیمی

ما صفر کیلومترهایی که ترم اول سینما بودیم تا به خود بیاییم و ببینیم درس‌ها چه هستند و دنیا دست کیست با نخستین بارقه‌های جشنواره فیلم فجر روبه‌رو می‌شدیم. مرور بر آثار فیلمسازان یکی پس از دیگری از راه می‌رسیدند و از آنجا که پنهان کاری جزو شاکله برگزاری هر دوره از جشنواره بود (تا یک موقع حتی نمی‌دانستیم این فیلم‌ها را چه کسانی انتخاب می‌کنند) معمولاً هیچ اطلاعاتی در مورد بخش‌های مختلف فیلم‌های خارجی ارائه نمی‌شد. یکی از نمونه‌های ترین دوره‌هایی که در جشنواره فیلم فجر شاهد بودیم، سالی بود که آثار تار کوفسکی به نمایش درآمدند؛ فیلمساز از منظر ما گمنام اما سرشناس در سطح سینمای جهان. ما چیزی از او نمی‌دانستیم اگر در آن سال بابک احمدی کتابی در دوپست و خرده‌ای صفحه به همت مجله فیلم منتشر نمی‌کرد. کتاب احمدی بسیار جامع و خواندنی بود. هنوز هم هست. بعدها به چاپ‌های بیشتری رسید و با آنکه چند کتاب دیگر در مورد تار کوفسکی به فارسی منتشر شدند اما همچنان کتاب احمدی یکی از مراجع مهم در باب این سینماگر فقید محسوب می‌شود.

این اتفاق دست‌کم در یکی از دوره‌های جشنواره دوباره تکرار شد؛ بزرگداشت یاسوجیرو آزو، مرحوم ابوالحسن علوی طباطبایی مستقلاً کتابی درباره سینمای آزو منتشر کرد. انتشارات سروش هم کتاب مشهور منتقد سینمایی درباره آزو را با ترجمه بهروز تورانی و رحیم قاسمیان منتشر کرد. شاید باورش سخت باشد اما تا سال‌ها همین عناوین تنها کتاب‌هایی بودند که هم‌زمان با جشنواره فیلم فجر منتشر می‌شدند. بعدها و هم‌زمان با دوره‌های مختلف جشنواره کتاب‌های بسیاری در رشته‌های مختلف منتشر شدند اما شاید هیچ‌کدام مثل کتاب بابک احمدی درباره تار کوفسکی نجسبندند؛ کتابی که در برهوت بی‌خبری از دنیای یک فیلمساز، آنچنان تو را با جهان او آشنا می‌کرد که نکته پنهانی برایت باقی نمی‌ماند. بابک احمدی بعدها با انتشار جستارها و مقالاتش در زمینه‌های دیگر و همچنین کتاب بی‌بدیل «باد هر جا بخواهد می‌وزد» که درباره برسون نوشت، دین‌اش را - اگر داشت - به ما دانشجویان سینما ادا کرد.



بیژن بنفشه‌خواه امسال با «آنتیک» به جشنواره آمده است؛ فیلمی کمدی که او در کنار پژمان جمشیدی نقش‌های محوری بر عهده دارند.

بیژن بنفشه‌خواه

عارضه تازه عاقبت به خیری در سینمای کمدی ایران

همچون پایان اجاره‌نشین‌ها

علیرضا محمودی

از ابتدا بازیگر ثابت نقش‌هایی بود که نیاز به اندکی نمک داشت. برای هر چیز اغراق‌شده‌ای از جواد رضویان و مهران غفوریان تا سیامک انصاریان و رضا شفیعی جم در صدر فهرست‌ها بودند؛ به همین خاطر او در دنیای کمدی ایرانی ۳ دهه گذشته فارسی همیشه بود و دیده نمی‌شد. صحنه در اختیار بازیگرانی بود که کارشان شور کردن آتش بود. همین که در سریال پر نقش قهوه تلخ نقش بیخودالملک را مدیریت برای بنفشه‌خواه قواره کرد، یعنی بنفشه‌خواه چگونه می‌تواند شما را بخنداند. اما او توانایی خودش را آهسته آهسته بروز داد. شاید مهم‌ترین دستاورد نیسان آبی ۲ ترنم رضا سوسن بود و غافلگیری صبحانه با زرافه‌ها ترقص بی‌مثال شاهین. او چه در استودیوی کم‌نور در لس‌آنجلس و چه در باغ پرنوری در تهران اندازه نمک ریختن را نگه داشت تا تسلط خودش را در اندازه یک کمدین با پشتوانه خانوادگی بنفشه‌خواه رو کند.

امسال در جشنواره، او در کنار پژمان جمشیدی قرار است بار دیگر خوش‌نمک بودنش را بروز بدهد. ما او را قبول کرده‌ایم. او ما را به اندازه بودنش مومن کرده. پس با خیال راحت تماشايش می‌کنیم. بخت‌ه و به قاعده. آنهايي که حالا میانسال شده‌اند یادشان مانده که او در میان آن چند هژیر چگونه گلیم خودش را بیرون کشید و تیر توپیر نشد.

ما به ادامه دادن با بیژن بنفشه‌خواه ادامه می‌دهیم تا رسیدن به پایانی چون پایان اجاره‌نشین‌ها.

استعدادها که در این مجموعه‌ها رو شد، عرضه کرد. انگار در میان همه آن سکانس‌های بامزه عاقبت به خیری ممتازی همچون حضور پدرش در انتهای اجاره‌نشین‌ها در او حلول می‌کند. او توانسته بود که خودش را در چشم مخاطبان بنشانند. رسیدن به چنین سرانجامی تنها محصول استعداد نیست. همه شخصیت کمدین در این نیست که بامزه باشد، او باید بتواند مخاطب را به جریان بامزگی متقاعد کند. به چشمه‌ای جوشان که از جوشش نمی‌افتد.

مثال دیگر این اتفاق در سینمای کمدی ایران متعلق به شادروان فتحعلی اویسی است. اویسی زمانی به سینمای کمدی ایران شبیخون زد و توانایی عجیبی بروز داد که بازیگر ثابت خشن‌ترین نقش‌های ممکن بود. او قبل از این دوران خودش را به عنوان نمادی از خشونت بالفطره ثابت کرده بود، اما وقتی شناگر ماهر، آب ببیند، بدون شک شیرجه خواهد زد. در سریال بدون شرح زمانی که بنفشه‌خواه و اویسی با هم همکار بودند، اویسی سرنوشت شخصیت هنری خود را چنان در بزرگراه تغییر داد که تا سال‌ها همه ماشین‌های پشت سرش بوق می‌زدند. عاقبت به خیری اویسی در سینمای کمدی ایران محصول شخصیت مغفول‌مانده مردی بود که در آستین همه‌چیز داشت که یکیش کیومرث کاووسی بود.

برخلاف اویسی که بزرگراه را دور زد و مسیرش را تغییر داد، بنفشه‌خواه آرام آرام خودش را از گروه پر تعداد رانندگان مسیر کمدی ایران جدا کرد. او

رضا بنفشه‌خواه در پایان فیلم اجاره‌نشین‌ها مانند یک فرشته رحمت نازل می‌شود تا نوید دهد مباشر و مستأجران رام دامدار روی مسکن منهدم شده‌شان می‌توانند حساب کنند. او در این فیلم بیرون از جهان کمدی فیلم، دور از پنجه غلام نسناس و کف آق باقری، فراتر از کلنگ عباس آقا و گارد قندی، پلاک و نقشه را رو می‌کند تا همچون جوی آب باریکه همیشه در جریان دنیای کارمندی مژده عاقبت به خیری بدهد، دنیای آشفته فیلم را ببندد و تماشاگران را خوش و خرم به بیرون از سالن سینما هدایت کند. ۴ دهه بعد بیژن بنفشه‌خواه در سینمای کمدی ایران بعد از عبور از دریای پرتلاطم نقش‌های سوم و دوم سریال‌های بامزه و بی‌مزه، فیلم‌های موفق و ناموفق و برنامه‌های ترکیبی بدر کبب رسیده به جایی که بسیاری از کاربران خانم در شبکه‌های مجازی در توصیف ویژگی‌های مرد مورد علاقه‌شان برای ازدواج از بیژن بنفشه‌خواه نام می‌برند. دلیل اصلی این انتخاب‌ها را در طنز به اندازه و توجه به جزئیات در پرسونای بنفشه‌خواه پست کرده‌اند.

بنفشه‌خواه در نقش‌های دکتر ملکی در ساختمان پزشکان و شوهر خواهر پژمان در سریال پژمان در ۲ سریال استراتژیک سروش صحت، نمای کلی از توانایی‌های خود را در میان‌گورانی از



عکس: امیر پناه‌پور